



شرح دعای هیجده صحیفه سجادیه

دفع بلا- راضی به قضای الهی در نصیب خود

نویسنده : فاطمه پورشفیع

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث



فروردین سال ۹۷

مقدمه:

دعای هیجدهم صحیفه، دعای کوتاه ولی پر معنا و جهت دار است. این دعا راه کسب شکر و تحصیل شکر بر نعمتهای الهی را آموزش می دهد.

شناخت نعمت و شکر الهی سعادت بشر را تضمین می کند. آنگاه که نعمت شناخته نشود پس شکر آن بجا آورده نمی شود پس سعادت جای خود را به شقاوت می دهد.

بشر به واقع چه وظیفه ای دارد؟

مصیبتها چگونه انسانها را در گیر می سازد؟

راه عبور از بلا و مصیبت چگونه است؟

تکلیف در این گرفتاریها چگونه است؟

چرا مردم در بر خورد با آفتها و بلاها کم می آورند؟ چرا اعتماد به نفسه در افراد کم شده است؟

کسب سعادت و سلامتی و عافیت دنیا و آخرت، تلاش بی وقفه می خواهد و در این بین شناخت خود و شناخت نعمتهای الهی ضروری است تا در دام استدراج اسیر نشد که آن از دست دادن نعمت الهی است.

من الله التوفیق

متن دعای هیجدهم صحیفه سجادیه:

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دُفِعَ عَنْهُ مَا يَخْذَرُ، أَوْ عُجِّلَ لَهُ مَطْلَبُهُ

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ، وَ بِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ، فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ
مَا عَجَّلْتَ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ

فَأَكُونَ قَدْ شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَ سَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ. وَ إِنْ يَكُنْ مَا ظَلَمْتُ فِيهِ أَوْ بَتَّ فِيهِ مِنْ هَذِهِ
الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيَّ بَلَاءٍ لَأَ يَنْقَطِعَ وَ وَزْرٍ لَأَ يَرْتَفِعُ

فَقَدِّمْ لِي مَا أُخْرِتَ، وَ أَخِّرْ عَنِّي مَا قَدِّمْتَ. فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَا عَاقَبْتُهُ الْفَنَاءُ، وَ غَيْرُ قَلِيلٍ مَا عَاقَبْتُهُ الْبَقَاءُ، وَ
صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ

وقتی خطری از او دفع می شد:

بارخدایا، تو را سپاس بر خوبی سرنوشتی که مقدر فرموده‌ای، و بر بلایی که از من گرداندی، پس
نصیبم را از رحمت در این عافیت دنیایی که به من ارزانی داشتی منحصر مکن،
که به سبب آنچه دوست دارم بدبخت شوم، و دیگری به خاطر آنچه ناپسند من است خوشبخت
گردم، و اگر آن عافیت که روز را در آن به شب رسانده، یا شب را در آن به روز آورده‌ام مقدمه
بلایی همیشگی، و وبالی دائم باشد.

پس آنچه را برایم به تأخیر انداخته‌ای پیش انداز و آنچه را که پیش انداخته‌ای به تأخیر افکن؛
زیرا چیزی که پایانش نیستی است، بسیار نیست و آنچه عاقبتش همیشگی و جاودانی است، اندک
نباشد، و بر محمد و آلش درود فرست.

شرح فراز اول:

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ قَضَائِكَ، وَبِمَا صَرَفْتَ عَنِّي مِنْ بَلَائِكَ، فَلَا تَجْعَلْ حَظِّي مِنْ رَحْمَتِكَ مَا عَجَّلْتَ لِي مِنْ عَافِيَتِكَ

شکر خدا بر تقدیرات نیکویش - شکر خدا از اینکه مرا از آفت و بلا دور کرد. شکر خدا بر اینکه بهره مرا از رحمت خودش جز عافیت چیز دیگری قرار نداد. اگر او مرا به حال خود رها می کرد من به سبب آنچه که دوست داشتم شقی و بدبخت می شدم و دیگری به سبب آنچه که من کراحت داشتم و ناپسند می دانستم خوشبخت می گردید.

آنچه در این بخش از دعا مورد توجه است اینکه، طالب سعادت باید همت خود را بر تحصیل سعادت معطوف نماید و از جمله شرایط کسب سعادت؛ کنار گذاشتن آرزوهای دور و دراز و رضایت از تقدیر الهی است، اگر چنین نباشد سعادت از دست تو خواهد رفت. سعی و کوشش انسان در تحصیل کمالات، همیشه باید در بعد زمان و مکان و بهره گیری از اندیشه سالم و رها شدن از قید و بندهای ناپایدار و آراسته شدن به زندگی سالم و شفاف و پایدار باشد. خلاصه آخرت در بقاء خود زیباست و پایدار و دنیا نابود و فنا پذیر است.

راه کسب و تحصیل شکر:

۱- معرفت و تفکر در صنایع الهی

۲- عبور از قبرستان و یاد کردن اینکه همه مردگان خواسته شان از خداوند این است که بدنیا برگردند و جبران ما فات کنند. (امروزه قبرستان مسلمانان جای غفلت و نمایشی از دنیای متجدد امروزی است "عکس زنها بر روی قبرها با رنگ و لعاب آرایشی" - امروز قبرستان مسلمانان به رنگ و بوی جنگ نرم آغشته شده - امروزه قبرستان مسلمانان جای خوف و غم از مرگ ندارد. امروزه تبلیغات سوء از اعتقادات شروع کرده تا مرگ اعتقادی را نصیب مسلمان شیعه کند - یا علی به فریاد برس و فرج مولایمان را هرچه زودتر نزدیک و نزدیکتر بگردان)

۴- از آنچه در طول عمر بر انسان اصابت کرده و مخالف طبعش بوده، اندوهگین نشود.

۵- در هر مصیبت و بلا شکر کند که مصیبتی بزرگتر از آن برایش نرسیده و دینش لطمه نخورده است. از این رو حضرت عیسی (ع) در دعای خود گفت: اللهم لا تجعل مصیبتی فی دینی، خداوندا! مصیبتم را در دینم قرار نده.

۶- خداوند در برابر هر مصیبتی (جز کفر و معصیت) به صبر سفارش کرده است - شکر الهی لازمه نعمت فراوان و شادمانی است. مصیبت و نعمت و رابطه آن با شکر؛ چگونه می توان آن دو را جمع کرد. اگر نعمت و بلا به

مطلق و مقید تقسیم شود ، نعمت مطلق مانند سعادت اخروی و علم و ایمان و اخلاق حسنه است . و نعمت مقید در دنیا چیزی است که از جهتی نعمت و صلاح است و از جهتی بلا و مفسده .مثلا مال از جهتی اصلاح کننده دین در ترویج فرهنگ اسلامی است و از جهتی فاسد کننده دین است آنگاه که در تقویت فِرَق ضالّه و شکل گیری فتنه ها مصرف می گردد.

بلائی مطلق مثل کفر و الحاد - که سعی در ترکش واجب است. بلائی مقید مثل غم و درد حاصله در دنیا است که نیاز به صبر دارد و شکر و استغفار بر طرف کننده آن است.

۷-سلامتی بهتر از بیماری:

کسب سعادت ابدی چگونه است؟

" رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ" (۲۰۱ بقره)

پروردگارا ، به ما در دنیا نیکی و در آخرت نیکی عطا کن و ما را از عذاب آتش (دوزخ) نگاه دار. پیامبر (ص) فرمود: سلو الله العافیه ، فما اعطى عبد افضل من العافيز الا اليقين " از خداوند طلب عافیت کنید به بنده ای چیزی بهتر از عافیت عطا نشده است مگر یقین.

یقین چیست؟

یقین عافیت داشتن قلب است از جهل و شک که بالاتر و شرسف تر از عافیت بدن است . عارفی گوید: اگر خداوند پلی بر جهنم قرار دهد که همه خلایق از آن گذشته ، داخل بهشت شوند و سپس داخل آتش کرده، جهنم را از وجودم پر کند ، حکمت را دوست داشته ، به قسمتش راضی ام. همانا از آنچه از بلا و یا عافیت یا نعمت و محنت که به مؤمن وارد شود برایش خیر است و در حَقَّش اصلاح. در حدیث قدسی وارد شده است: بعضی از بندگان مؤمن من ایمانشان اصلاح نمی شوند مگر با فقر و بیماری ، پس انرا برایش عطا می کنم، و بعضی از بندگانم اصلاح نمی شوند مگر با بی نیازی و سلامت ، پس آن را عطا می کنم.

"انَّ بعض عبادی لا یصلحه الا الفقر و المرض ، فاعطيته ذلک ، و بعضهم لا یصلحه الا الغنی و الصحه فاعطيته ذلک.(جامع السعادات ملا نراقی)

استدراج چیست؟

از ریشه درج - درجه به معنی مرتبه و منزلت است.

"والذین کذبوا بآیاتنا سنستدرجههم من حیث لا یعلمون (اعراف ۱۸۲)

استدراج آن است که از شخص بتدریج و درجه درجه گرفته شود- شخص بدکار در کفر و طغیان خویش مشغول لذت و کامرانی است ولی بی خبر است که بتدریج استعداد هدایت را از دست می دهد و عمرش کوتاه و کوتاهتر می شود تا بالاخره فرصت از دستش می رود.

امام حسین(ع) در تحف العقول فرمود: استدراج از خداوند سبحانه آن است که نعمت بنده را فراوان کند و توفیق شکر را از او سلب نماید.

طبرسی عالم و نویسنده مجمع البیان فرمود: استدراج اصل آن از درجه است و آن این است که کم کم گرفته شود مثل بالا رفتن از پله ها.

شرح فراز دوّم:

فَأَكُونَ قَدْ شَقِيتُ بِمَا أَحْبَبْتُ وَ سَعِدَ غَيْرِي بِمَا كَرِهْتُ. وَإِنْ يَكُنْ مَا ظَلَلْتُ فِيهِ أَوْ بَتَّ فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْعَافِيَةِ بَيْنَ يَدَيِ بَلَاءٍ لَّا يَنْقَطِعُ وَ وَزْرٍ لَّا يَرْتَفِعُ:

عافیت چیست؟

عافیت نقطه مقابل ابتلاء و گرفتاری است و به معنای سلامت از هر نوع آفت و ناگواری جسمی و روحی ، ظاهری و باطنی ، دنیوی و اخروی است .

نعمت عافیت بعد از نعمت یقین از نعمتهای بزرگ خداوند است.

عافیت فکری و اعتقادی بر مبنای عقل و خرد است و آن شناخت اصول دین و فروع دین است .

عافیت اخلاقی ، متّصف شدن به اخلاق اسلامی بر مبنای آموختن از کلاس حدیثی نبی اکرم (ص) و ائمه (ع) است.

عافیت عملی ؛ تعبد و تعهد به دستورات و فرامین الهی است.

"عسی آن تکرهوا شیئا و هو خیرٌ لکم و عسی أن تحبّوا شیئا و هو شرٌّ لکم و انتم لا تعلمون(۲۱۶) بقره)"

حکم جهاد بر شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است، لکن چه بسیار شود که چیزی را مکروه شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده، و چه بسیار شود چیزی را دوست دارید و در واقع شرّ و فساد شما در آن است، و خدا (به مصالح امور) داناست و شما نادانید.

خداوند تعالی با این جمله به بنده می فهماند که در هر چه او کراهت دارد احتمال بدهد که خیرش در آن است و در باره هر چه علاقمند است احتمال بدهد که برایش بد باشد. پس این تفکر فکر را از افراط و تفریط نجات می دهد و بحال اعتدال در می آید و جهل مرکب موجود در بشر که او را به شک انداخته ؛ بر طرف می کند.

شریعت موجود در این کلام باعث می شود که بشر تسلیم اوامر الهی شود. "إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ شَيْءٌ" خدا هیچ چیز بر او پوشیده نیست (آل عمران ۵)
"لَا يَحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ" مردم احاطه به هیچ یک از علم های خداوند ندارند مگر به آن مقدار که او خواسته باشد. (بقره ۲۵۵)

آیه ۲۱۶ بقره، در مورد جنگ است با اینکه بشر به آن علاقه ای ندارد و اکراه دارد - اکراه از جنگ بخاطر روحیه رفاه طلبی است یا به جهت انسان دوستی و رحم به دیگران، یا به خاطر عدم توازن قوا و برتری دشمن است.

آیا جنگ آثار مثبت و مفیدی دارد؟ جنگ با همه سختی هایی که دارد، آثار مثبت و فوایدی دارد از جمله:
الف: توان رزمی بالا می رود.

ب: دشمن جسور نمی شود.

پ: روح تعهد و ایثار در افراد جامعه بوجود می آید.

ج: قدرت و عزت اسلام و مسلمین دنیا مطرح می شود.

چ: امدادهای غیبی سرازیر می گردد.

خ: روحیه استمداد از خدا، بالا می رود.

د: اجر و پاداش الهی بدست می آید.

ذ: روحیه ابداع و اختراع و ابتکار بوجود می آید.

شرح فراز سوم:

فَقَدِّمِ لِي مَا أَخْرَتِ، وَأَخِّرْ عَنِّي مَا قَدَّمْتَ. فَغَيْرُ كَثِيرٍ مَّا عَاقِبَتُهُ الْفَنَاءُ، وَغَيْرُ قَلِيلٍ مَّا عَاقِبَتُهُ الْبَقَاءُ، وَصَلِّ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

بداء چیست؟

تغییر در تقدیرات، معلق و مشروط رخ می دهد، اصطلاحاً "بداء" نامیده می شود. مثلاً صلّه رحم و احسان به پدر و مادر و صدقه و مانند آنها تقدیرات را عوض می کند، در مقابلش قطع رحم و عقوق والدین، تقدیرات مطلوب را به ضرر انسان عوض می کند.

در روایات یکی از بهترین عبادات، اعتقاد به بداء است.

انگیزه دعا کردن برای بعضی از تقدیرات در کسانی که به بداء اعتقاد دارند مفید واقع می شود و در بعضی دیگر که اعتقاد به تقدیرات معلق نداشته باشند مفید واقع نمی شود. اعتقاد به بداء و اعتقاد به قدر و قضا اگر درست

فهمیده شود عامل پیشرفت و تکامل معرفت و توحید است نه اینکه عامل رکود و تنبلی و سستی و بهانه گیری باشد .

"کلّ من علیها فان و بقی وجه ربّک ذوالجلال و الاکرام" فناء از بین رفتن - هر چه در روی زمین است فانی است ولی پروردگارت که صاحب جلال و کرامت است می ماند. موجود معدوم نمی شود ولی صورت ظاهری و مادی او فناء می یابد. همینکه انسانی مرد ، فانی شد.

نقل شده که روزی پیامبر اکرم صلوات الله علیه با اصحابش نشسته بود . مردی یهودی از آنجا گذشت . حضرت فرمود، این شخص می رود به صحرا و ماری او را می گزد. اتفاقا عصر همان روز دیدند که مرد یهودی برگشت در حالی که پشته خاری بدوش گرفته است. اصحاب عرض کردند: یا رسول الله ، این همان مردی نیست که گفتید می رود صحرا و مار او را می گزد. حضرت فرمود: بگذارید بیاید نزدیک. انگاه یهودی را صدا زدند و گفتند: پشته خارت را بگذار زمین و باز کن . دیدند ماری در آن پشته حلقه زده است . حضرت فرمود مقدر بود این مار او را بگزد ولی صبح که از خانه بیرون آمد صدقه داد و صدقه این بلا را از او رفع کرد . یعنی آن تقدیری که من گفتم تقدیری معلّق بود. اقتضای عادی اش این بود که این مار او را بگزد ولی مانعی پیدا شد. البته این مانع ، مانع فیزیکی نبود ، صدقه دادن اثر طبیعی اش این نیست که مار نگزد . چنین رابطه فیزیکی که بین صدقه و نگزیدن مار موجود نیست، این یک رابطه متافیزیکی است (متا فیزیک ، علمی فلسفی که در مورد موجود "به ما هو موجود" یک رابطه علت و معلولی است (معارف قرآن - مصباح یزدی)

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

قران کریم

قاموس قران - فرهنگ لغات

جامع السعادات ملا مهدی نراقی